**استاد معظم آقای حاج سید محمد جواد شبیری**

**جلسات علمی**

**رمضان المبارک 1446.ق**

موضوع: روش‌های رفع اجمال با تکیه بر احادیث فقهی

15 /12 /1403

متن خام

جلسه 4

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین انه خیر ناصر و معین الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

من در مورد روشهای رفع اجمال صحبت می­کردم یک گزارشی از بحثهای گذشته سریع عرض می­کنم تا بحث امروز را شروع کنم عرض کردیم که رفع اجمال، گاهی اوقات در مورد آیات مجمل هست گاهی اوقات در مورد روایات مجمل در مورد آیات مجمل یا با آیات دیگر رفع اجمال می­کنیم یا با عنایت به شأن نزول رفع اجمال می­کنیم یا با عنایت به روایات.

با عنایات به آیات دیگر یک نکته ای دیگر را تذکر دادیم که مجرد اینکه یک آیه یک لفظی در آن به کار رفته مشابه لفظی که در آیه ما نحن فیه به کار رفته و در آیه دیگر معنای این لفظ مشخص است دلیل بر این نیست که در این آیه به همان معنا به کار رفته بلکه باید نکاتی دیگری را ضمیمه کرد یعنی اگر این لفظ در جای دیگری قرینه ای بر مراد در آن وجود داشت این کافی نیست که در ما نحن فیه قرینه ای بر مراد وجود داشته باشد و با عنایت به شأن نزول هم اشاره کردیم که شأن نزول باید اطمینان بخش باشد یا به وسیله خبر معتبر شأن نزول ثابت شده باشد و معمولاً در نوع مواردی که مجمل هستند آیاتی که مجمل هستند شأن نزولهای مختلفی گاهی اوقات نقل کردند اتفاق نظر در موارد مجمل بر یک شأن نزول شاید نباشد این است که عمدتاً با عنایت به شأن نزول هم باید به روایات مراجعه کنیم.

با عنایت به روایات هم عرض کردیم که چند نکته باید اینجا مد نظر باشد یکی اینکه سند روایات معتبر باشد دوم اینکه در جایی که روایات مختلف در ذیل یک آیه وارد شده باید ببینیم نسبت به این روایات مختلف چه باید کرد ما عرض می­کردیم این است که یک نوع جامع گیری بین اینها ممکن است صورت بگیرد نکته ای دیگر اینکه ممکن است بعضی از اینها ظَهر قرآن و بعضیها بَطن قرآن باشد با ظاهر بودن و باطن بودن بین معانی مختلفی که برای آیه قرآن انجام شده جمع کرد.

البته این وجه اخیر توضیحاتی دارد که امروز می­خواهم با ذکر یک مثالی که اتفاقاً در این مثال همه این مراحل و همه این روشها موجود است این بحث را ادامه بدهم آیه شریفه وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ

قبل از آن یک نکته‌ای را عرض کنم یک چیزی در روایات ما هست به عنوان جریٰ اینکه آیات قرآن جاری هستند جریان پیدا می­کنند جرت الآیه امثال اینها. مرحوم علامه طباطبایی یک مبنایی تحت عنوان جری و تطبیق را از این روایات استخراج کردند و خیلی جاهای این مبنای جری و تطبیق را مطرح فرمودند این که حالا معنای جری و تطبیق چیست خودش همان بحثی را که عرض کردم اگر بشود معانی مختلف را با هم جمع کرد به اینکه یک جامع برای آنها قرار داد این می­تواند بحث جرت هم در بحث ظاهر و باطن و هم در بحث اینکه یک جامعی ما بین معانی مختلفی که برای یک آیه در روایات ذکر شده تحصیل کنیم این آیات جرت می­تواند مفید باشد حالا من فقط اشاره ای به این آیات جرت می­کنم و یک روایتی هم در این زمینه می­خوانم بحثی که امروز می­خواهم دنبال کنم در مورد وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ هست که تمام روشهایی که در این مرحله اول هست در این آیه شریفه می­شود دنبال کرد.

بعضی از مواردی که جرت در آن به کار رفته جرت بخصوص بعضی روایات بین نزول آیه و جریان آیه فرق گذاشتند این تفسیر عیاشی جلد1 صفحه147 رقم482 در مورد آیه می­گوید نزلت فی عثمان و جرت فی معاویه و اتباعهما «جری» توسعه معنای یک آیه است از مورد نزول تعدی کردن و موارد دیگر را گرفتن. حالا بعضی موارد دیگری که من اینجا یادداشت کردم را ملاحظه بفرمایید تفسیر عیاشی ج1 صفحه61 رقم102، ص203 رقم6؛ کافی جلد1 صفحه268 رقم10، ص 288 رقم2؛ علل الشرایع ص205 رقم2، ص206 رقم4.

حالا این یک مقداری بعضی از مصادیق این جریان هست در مورد جرت من یک روایتی را می­خواهم بخوانم که ارتباط این قاعده جریان را به ظهر و بطن روشن می­کند روایت صحیحه فضیل بن یسار هست که در بصائر الدرجات صفحه196 رقم7 وارد شده در تفسیر عیاشی جلد1 صفحه11 رقم5 هم وارد شده به نظرم باید در کافی هم باشد ولی من رقم کافی را یادداشت نکردم ولی در ذهن من کافی هست.

بصائر الدرجات عن فضيل بن يسار : سَأَلتُ أبا جَعفَرٍ عليه السلام عَن هذِهِ الرِّوايَةِ: «ما مِنَ القُرآنِ آيَةٌ إلّا ولَها ظَهرٌ وبَطنٌ». فَقالَ: ظَهرُهُ تَنزيلُهُ ، وبَطنُهُ تَأويلُهُ ، مِنهُ ما قَد مَضى‏ ، ومِنهُ ما لَم يَكُن ، يَجري كَما يَجرِي الشَّمسُ وَالقَمَرُ ، كما جاءَ (در بصائر الدرجات دو جا آمده:در ج1 ص196 «کما» آمده در ج1 ص203 «کلما» آمده در جای دوم «کلما» است) تَأويلُ شَي‏ءٍ مِنهُ يَكونُ عَلَى الأَمواتِ كَما يَكونُ عَلَى الأَحياءِ ، قالَ اللَّهُ: (وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّ سِخُونَ فِى الْعِلْمِ)۶نَحنُ نَعلَمُهُ.

ولی در تفسیر عیاشی عبارتش روشنتر است اولاً ومِنهُ ما لَم يَكُن را می­گوید منه ما لم یکن بعده می­گوید بعضی از مصادیق یک آیه هنوز نیامدند کان یک سری مواردی بوده که شأن نزول آیه هستند بعضی موارد هستند شأن نزول آیه نیستند بعداً می­آیند و مصداق آیه می­شود منه ما لم یکن بعده هنوز نیامدند خب عبارت قشنگتر روشنتر است

آن کما جاء تاویل شی، در تفسیر عیاشی این است کلما جاء منه شی وقع یکون علی الاموات کما یکون علی الاحیاء.

کلما جاء تاویل، تاویل اصلش به معنای مصداق یک مثلاً خبر تاویل خبر می­گویند کلما جاء منه شی یعنی از آن مصادق هر مقداری که بیاید واقع می­شود و به اصطلاح به عنوان مصداق آیه قرار می­گیرد یعنی هر موردی از موارد آیه که بیاید یعنی اشاره به این دارد که مصادیق آیه تدریجی الحصول است. تعبیری که شبیه آن در صحیحه حمران بن اعین در تفسیر ظهر قرآن و بطن هم این طوری تفسیر کرده:

عن حمران بن أعين : سَأَلتُ أبا جَعفَرٍ عليه السلام : عَن ظَهرِ القُرآنِ وبَطنِهِ فَقالَ: ظَهرُهُ الَّذينَ نَزَلَ فيهِمُ القُرآنُ ، وبَطنُهُ الَّذينَ عَمِلوا بِمِثلِ أعمالِهِم ، يَجري فيهِم ما نَزَلَ في اُولئِكَ

معانی الاخبار صفحه259 رقم11 حالا این را داشته باشید بعدا یک سری صحبتهای دیگری در مورد آن خواهیم کرد

حالا ظاهر باطن معنایش چیست و اینها مرحوم سید رضی در المجازات النبویه صفحه236 هم بحثهای مفصلی ایشان کردند در تفسیر این روایت اینکه قرآن ظاهر و باطن دارد و امثال اینها که حالا من وارد آن بحثها نمی­خواهم بشوم ما اینجا ظاهر و باطن را به این معنا می­خواهیم اجمالش این است که نه به این معنایی که در اینجا هست ما ظاهر و باطن اگر هم به یک معنا مصداق باشد مصداق پنهان است که همان باطنش هم یعنی آن چیزی که عرف متعارف درک نمی­کند از آیه. باطن است. به هر حال از خود کلمه باطن هم همین معنا استفاده می­شود که آشکار نیست پنهان است به این معنا می­خواهیم باطن را معنا کنیم حالا بحث جریان و قاعده جری و تطبیق و اینها بحث مفصلی دارد که نمی­خواهم وارد بشوم همین مقدار اجمالی را خواستم اشاره کرده باشم

شاگرد: مصداق با پنهان یا مفهوم پنهان؟

حالا همین را می­خواهم توضیح بدهم عرض کنم یعنی آن چیزی که علی ای تقدیر در مسئله باطن این مقدارش الان عجالة عرض بکنم توضیح آن را در ادامه می­دهم اینکه بطن قرآن یک معنای پنهانی است یا مفهوما مصداقاً آن را در موردش توضیح خواهم داد.

این آیه شریفه وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ در کتب تفسیری از قدیم مورد بحث قرار گرفته که مراد از اتموا چیست کلمه اتمّ در لغت دو تا معنا برای آن ذکر کردند یکی اتمّ یعنی یک عمل کامل بیاور اتم الصوم یعنی عمل کامل بیاور آن آیه شریفه ای که

أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ (بقره/187)

ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ یعنی آغاز حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ تازه روز دارد شروع می­شود اول روز است اول طلوع فجر است می­گوید اول فجر که شد أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ یعنی یک روزه کامل را شما انجام بدهید یعنی شب لازم نیست روزه بگیرید شب لازم نیست امساک کنید کلوا واشربوا و باشروهنّ اینها جایز است ولی روز که شد طلوع فجر که شد باید یک روزه کامل انجام بدهید.

یک معنای اتَمّ به معنای این است که یک عمل کامل تحویل دادن.

یک معنای اتمّ این است که عملی که شروع شده ناقصش نگذاریم کامل کنیم عمل شروع شده را می­گوید کامل کن و در مورد آیه شریفه وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ از قدیم هر دو تفسیر مطرح بوده در میان کلمات مفسرین. در جامع البیان طبری مراجعه کنید هر دو قول را از مفسران عامه و قدمای مفسران عامه نقل کرده بعد خودش هم این طور اظهار نظر کرده که در آیه هر دو احتمال دارد و مجمل است خلاصه به اجمال آیه حکم کرده.

خب نتیجه بحث عمدتاً در بحث عمره ظاهر می­شود حج واجب بودنش مسلم است بحثی در وجوب حج نیست در مورد عمره گاهی عمره واجب است یا واجب نیست بحث از قدیم بوده به این آیه شریفه تمسک شده بر وجوب عمره، وجوب اصل عمره استدلال شده بر وجوب اصل عمره و آوردن عمره.

طبری می­گوید چون این آیه مجمل است ممکن است معنایش این است که اگر عمره را شروع کردی باید تمام کنی لازم نیست حتماً شروع کنی واجب مشروط است اگر شروع کردی باید تمام کنی بنابراین اینکه باید حتماً شروع کنی نه از آن استفاده نمی­شود روی همین جهت به این آیه نمی­شود بر وجوب عمره تمسک کرد طبری این طور دارد.

وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ به یک معنا مجمل هم هست بدواً چون اتموا هر دو معنا در مورد آن هست هم به معنای اینکه یک عمل کامل بیاور شبیه عمل کامل آوردن در عبارت ضیّق فمن رکیه معروفی هست می­گوید دهنه چاه را تنگ بگیر ضیّق هم به معنای تنگ گرفتن است هم به معنای تنگ کردن است ضیّق یعنی دهنه چاه را تنگ بگیر نه اینکه دهنه اول گشاد است بعد تنگش می­کنیم این که نیست ضیّق یعنی دهنه چاه را از اول تنگ بگیرد داری چاه را می­سازی دهنه گشاد برای او ایجاد نکن. بنابراین کلمه ضیق مشترک لفظی بین تنگ گرفتن و تنگ کردن. تنگ گرفتن مفروض این نیست که چاهی به اصطلاح وجود دارد می­گوید چاهی که داری احداث می­کنی دهنه آن تنگ بگیر.

اتمّ هم همین دو معنا هست یعنی عمل کامل بیاور یا عملی که شروع کردی کامل کن. کامل کردن یا اتیان عمل به کماله.

حالا ممکن است شخصی بگوید که در آیه مربوط به صوم ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ اتمام به معنای کامل آوردن است إیتِ بالصوم کاملاً این را قرینه بخواهد قرار بدهد برای اینکه وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ هم به معنای ایتوا بهما تامّین هست.

این استدلال همچنان که اشاره کردیم ناتمام است در آیه صیام این یک معنایی اراده شده باشد این دلیل بر نیست که در این آیه هم به همان معنا است. اتمّ دو تا معنا دارد در آن آیه به یک معنا باشد لازمه آن این نیست در آیه وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ به این معنا باشد.

**نکته دوم** بحث با عنایت به شأن نزول هست که در مورد شأن نزول عرض کردم عمدتاً باید به روایات مراجعه کنید روایاتی که در ذیل أَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ وارد شده دو دسته روایات هستند یکی روایاتی که صریحاً آیه را تفسیر کردند یکی روایاتی که به شأن نزول آیه اشاره کردند روایاتی که آیه را تفسیر کردند صریحاً گفتند که این آیه أَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ یعنی ایتوا بهما تامین آن تفسیری که حج ناقص را حج شروع شده را کامل کن این مراد از آیه نیست وسائل جلد11 صفحه7 اینجا مراجعه کنید روایاتش هست بابی هست در مورد فرد حج عمره آنجا یک روایت هما مفروضان سوال کردند از أَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ می­گوید هما مفروضان یعنی این آیه ناظر به مفروض بودن است یعنی أَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ معنایش این است که حج و عمره را کامل انجام بده إیت بالحج و العمره کاملاً.

خب این یک آیه و خب صریحاً این مطلب را بیان کرده یک روایت دیگر هم هست که از آن هم همین معنا استفاده می­شود مِن تمام الحج و العمره أن تحرم من المواقیت التی وقتها رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از تمام حج عمره این است که شما احرامتان از میقات باشد اگر مراد از آیه أَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ این باشد که شما حجی را که شروع کردید کامل کنید این نمی­تواند ناظر به نحوه شروع باشد این روایت می­گوید که این آیه أَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ نحوه شروع را هم بیان می­کند که چطور شروع کنید مِن تمام الحج و العمره أن تحرم من المواقیت التی وقتها رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

یک روایت دیگری هم در منابع عامه نقل شده که البته در روایات ما این روایت تخطئه شده ولی اصل این روایت ناظر به معناست می­گوید من تمام الحج ان تحرم من دُوَیرة اهلک می­گوید که اگر می­خواهی حج تو کامل بشود از خانه خود مُحرِم شو. این روایت می­گوید نه از خانه ات محرم شدن تمامیت حج نمی­آورد که روایات ما تخطئه کردند که اگر قرار بود تمام حج از خانه محرم شدن باشد پیغمبر تا مسجد شجره با لباس نمی­آمد این مسلم است که پیغمبر در مسجد شجره محرِم شده در ذوالحلیفه محرم شده این مسلم است بنابراین خود عمل پیغمبر که مبین تمامیت حج هست نافی این روایت است ولی من آن جهت کار ندارم که این روایت خودش روایت مجعولی است ولی این روایت بر اساس این ذهنیت است که أَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ کسی که جعل کرده ذهنیتش این بوده که این روایت این آیه شریفه ناظر به این است که شما باید عمل تام تحویل بدهید می­گوید عمل تام این است که احرام شما از خانه باشد روایاتی را تخطئه کرده می­گوید نه تخطئه کرده این روایت را نه آن ذهنیتی که پشت قضیه هست که أَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ معناش این است که ایتوا بهما تامین خود مِن تمام الحج و العمره أن تحرم من المواقیت التی وقتها رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هم شاهد به این است که أَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ به معنای ایتوا بهما تامین هست

شاگرد: استاد چرا این روایت تفسیری تلقی شده

استاد: اصلاً تمام الحج و العمره ناظر به چیز است پیداست اینها چیزهایی است که فضایی که وجود دارد تمام حج عمره چه هست و امثال اینها چه هست نه

شاگرد:لغت «تمام» که قطعاً قابل انطباق است

استاد: نه اینکه اصلاً ببینید همین طوری که این تعبیر را نمی­کنند تمام حج عمره چیست اینها یک پیش زمینه هایی دارد این پیش زمینه ها هست که آن تعبیرات را می­آورد

شاگرد:شاید معنای جامعی نمی­آورد

استاد: صبر کنید حالا اینکه گفتید جامع همین جا اصلاً این دو تا معنا قابل جمع نیست. یکی اینکه چون دو تا فرض مختلف هست یک فرض این است که شما عمل شروع شده را می­گویید کامل کن این یک معناست یک معنا هم عملی که هنوز شروع نشده فرض این است که عمل هنوز شروع نشده این عملی که شروع نشده ایتوا بهما تامین این دو تا معنایی هست که جامع عرفی ندارد با زور زدن شما می­توانید جامع درست کنید ولی جامع عرفی دو تا معنای مختلف است عرض کردم مثل ضیق فمن رکیه تنگ کردن با تنگ گرفتن دو تا معنا برا ضیّق است کلمه ضیّق را نمی­شود هم به معنای تنگ کردن و هم به معنای تنگ گرفتن قرار داد بله بحث استعمال اکثر از معنا یک نکته ای است که من در مورد آن در ادامه صحبت خواهم کرد.

از این روایات به روشنی برمی­آید که أَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ ناظر به این است که دو تا حج و عمره کامل اتیان کن بنابراین این روایات این آیه شریفه را بعضی استدلال کردند برای اینکه حج و عمره با شروع واجب می­شود نمی­شود به آن استدلال کرد. این اصل وجوب حج عمره را ناظر هست نه اینکه حجی که چون بعضیها گفتند حتی حج مستحبی هم این نکته را ادامه آن عرض بکنم بعضیها گفتند حج مستحبی هم با شروع واجب می­شود گفتند عمره مستحب است ولی وقتی شروع کردی باید تمامش کنی این طوری تفسیر کردند این دو تا فضای مختلف هست و دو معنای مختلف هست اینها بخواهیم هر دو معنا بگیریم باید از باب استعمال اکثر از معنا باشد که حالا آن یک مرحله دیگری از بحث است که بعداً در مورد آن صحبت می­کنیم

شاگرد: این آقایی که مستحب با شروعش واجب می­شود «اتموا» را این طوری معنا کردند

استاد: بله.

این یک بحث. بحث دیگر: با روایاتی که ناظر به شأن نزول است یک روایتی داریم که این ناظر به شأن نزول روایت هست

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْعُمْرَةُ وَاجِبَةٌ عَلَى الْخَلْقِ بِمَنْزِلَةِ الْحَجِّ عَلَى مَنِ اسْتَطَاعَ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ- وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ

این تکه ها شبیه همان روایتهای قبلی هست که می­گوید أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ از آن وجوب عمره استفاده می­شود بنابراین اتموا به معنای این نیست که عمره شروع شده را شما تکمیل کن بلکه به معنای این است که باید عمره را شروع کنی. خب یک ذیلی دارد آن ذیل مهم است می­گوید: وَ إِنَّمَا نَزَلَتِ الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَة وسائل جلد14 صفحه295 رقم19229 هم همین مفاد آمده.

إِنَّمَا نَزَلَتِ الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَة ناظر به این مطلب هست که أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ اگر شخصی عمره و حج را شروع کرده باشد آیه نازل شده بود خب شما می­گویید ای کسی که عمره و حج را شروع کردید کاملش کن ولی کسی که هنوز عمره و حج را شروع نکرده در مدینه بوده در مدینه وقتی به شخص می­گویند که أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ این معنایش این است که این ناظر به این است که این را شروع کن و کامل کن به تعبیر دیگر این آیه این را می­خواهد بگوید آیات قرآن ناظر به امور محل ابتلا هست فرض کنید در صلح حدیبیه آیه نازل شده بود که مسلمانها مثلاً وارد شدند می­گوید أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ شما باید این حجی که شروع کردید کاملش کنید خب آن چیزی که محل ابتلا مخاطبین هست این است که یک عملی را شروع کردید آن را کامل کنید. یک قیدی است أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ آن قید این است که ای کسی که عمل را شروع کردی کاملش کن اگر موقع نزول عمل شروع شده باشد همان مورد نزول که عمل شروع شده کافی است برای افهام این قید. برای افهام این قید شأن نزول مورد نزول کفایت می­کند ولی آیه می­گوید در مدینه نازل شده در وقتی که هنوز به اصطلاح حجی انجام نشده عمره ای انجام نشده می­گوید این اطلاق دلیل در واقع اقتضا می­کند که اصلاً ناظر به این باشد که شما یک حج عمره کامل اتیان کنید به تعبیر دیگر معنایش این است که در مدینه شروع شده نه بعد از احرام بستن إِنَّمَا نَزَلَتِ الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَة می­گوید این آیه شریفه در مدینه نازل شده نه بعد از شروع إِنَّمَا نَزَلَتِ الْعُمْرَةُ یعنی نزلت آیة العمرة این آیه‌ای که متضمن عمره است بعد از شروع عمره نبوده که شما می­گویید بعد از شروع است بنابراین ناظر به این است که این عملی که شروع کردید تکمیل کنید قبل از شروع است قبل از شروع اینکه شما بخواهید قید بزنید که ای کسی که شروع کردی عملت را کامل کن این خلاف اطلاق قضیه است اطلاق آیه اقتضا می­کند که این ناظر به این باشد که عمل یک عمل تام تحویل داده بشود

شاگرد: تایید وجوب عمره است یعنی اگر کسی این معنایی که شما می­خواهید فهمیده می­شود از آن ولی تایید بر این است که چرا حضرت دارند استناد برای وجوب مستقل عمره

استاد:ربطی ندارد.

شاگرد: شارع اگر می­خواست به مکلفین مدینه بفرمایید اگر حج عمره را شروع کردید تمامش کنید باید چطوری می­فرموید

استاد: باید قید می­زد «اگر شروع کردید». دو نکته است اشاره کردم آیات قرآن امور محل ابتلا دارد بیان می کند توضیح ما همین بود دیگر ببینید در جایی که هنوز اصل وجوب عمره ثابت نشده به فروعش بپردازند

شاگرد: در خمس و زکات که با علم نمی­آید

استاد: دقت نکردید بابا اصل سر این است که اول باید اصل قضیه مطرح بشود اصل اینکه عمره واجب است یا واجب نیست إِنَّمَا نَزَلَتِ الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَة یعنی آیه نازل به حکم عمره در مدینه نازل شده یعنی قبل از او حکم عمره مطرح نبوده دقت می­فرمایید

شاگرد: خمس و زکات هم قبل از تعلق خمس و زکات به شما بیان شده

استاد: دقت نکردید آیه عمره می­گوید در مدینه نازل شده یعنی هنوز مردم حکم عمره را نمی­دانند عمره واجب است یا مستحب است اینجا بیان می­کنند وقتی وارد شدید چه کار بکنید دقت بکنید بحث چیست بحث این است که می­گوید که درباره عمره قبل از این آیه ای که نازل شده هنوز درباره عمره هیچ مطلبی نازل نشده بوده وقتی هنوز معلوم نیست که عمره واجب است یا مستحب است به تفریعات بپردازد اینکه گفتم محل ابتلا یعنی همین. برا کسی که هنوز عمره انجام نداده آن چیزی که محل ابتلا اوست این از اول مطرح است که واجب است یا مستحب. در اینجا بگویم اگر وارد شدید انجام بدهید خب این به اصطلاح خیلی بدجور حرف زدن است خود همین که می­گوید عمره یعنی آیه ای که متضمن حکم عمره است إِنَّمَا نَزَلَتِ الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَة یعنی آیه متعرض به حکم عمره که این آیه هست در مدینه نازل شده

شاگرد: اتم الحج هم همین طوری معنا کرده در این آیه

استاد: بله یعنی در واقع این اولین آیه ای است که برای عمره است یعنی قبل از این آیه دیگری نازل نشده

شاگرد: حجش هم اصل وجوب را دارد می­گوید؟

استاد: بله آن هم اصل وجوب را می­گوید هیچ ناظر به اتمام حج هم نیست این است که در همان بحث هم چیز کردند که نمی­شود اتمام حج مستحبی با شروع را از این آیه استفاده کرد.

بنابراین این ناظر به این جهت هست که وقتی هنوز حکم عمره بیان نشده است اصل عمره اصل اینکه عمره واجب است یا مستحب است از فروعات صحبت نمی­کنند.

این آیه دو تا نکته را می­خواهد بیان بکند می­گوید اولاً قبل از این آیه هیچ آیه ای در مورد عمره نازل نشده بود ثانیاً هنوز شما هم وارد عمره نشده بودید گاهی اوقات ممکن است بعضی از افراد ولو آیه قرآن در مورد عمره صحبت نشده ولی خب یک شخصی همین طور به چیز جاهلی که عمره انجام می­دادند واجب هم نبوده عمره انجام می­داند آمده و حالا عمره انجام می­دهد این در جایی اگر ولو به خاطر آن رسم جاهلی خودش الان وارد عمره اگر شده باشد به این شخص بگویند وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ معنایش این است که آن عملی که وارد شدی این عمل را تکمیل کن چون محل ابتلا آن این است این می­گوید محل ابتلا این اشخاص شروع در عمره که نکرده بودند که محل ابتلا آنها این باشد که آیا این عمل شروع شده باید تکمیل بشود یا نباید تکمیل بشود طبیعی قضیه این است که چه چیزی را بیان کند بیان کند که آیا حج و عمره واجب هستند یا واجب نیستند مسئله­ای که حتی بعد از این آیه هم در کلمات آقایان مفسرین محل اختلاف هست می­گوید زمانی این آیه نازل شده اصلاً نسبت به حکم عمره هیچ گونه پیش زمینه ای وجود ندارد که عمره واجب است یا واجب نیست شخص هم وارد عمره که نشده که آن ورود در عمره قرینه باشد که محل ابتلای آن این است که این عملی که وارد شده را باید تکمیل کنند یا نباید تکمیل کنند خب اینجا معنایش این است که این عمل را باید انجام بدهی دیگر بنابراین

شاگرد: ادامه آیه قرینه بر تمام کردن بعد از شروع چون بحث این است که فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ

استاد: آن ادامه است شما حج کامل باید بیاوری اگر نتوانستید این حج کامل را بیاورید چه کار کنید نه آن منافاتی با این ندارد

شاگرد: شأن نزولش را هم گفتند که شخصی قبل از اینکه حج را پایان بدهد و به او گفتند دیگر نمی­خواهد ادامه بدهی

نه آن ربطی به این ندارد بحث سر این است می­گوید یک حج کامل شما باید به جا بیاورید اگر نتوانستید یک حج کامل به جا بیاورید به خاطر اینکه حج شما چیز است ببینید شما وقتی مامور هستید به انجام حج کامل از قبل از انجام احرام بستن مامور هستید احرام هم می­بندید هنوز مامور هستید تا تمام عمل مامور هستید به محض شروع که أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ تمام نمی­شود که أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ می­گوید یک حج کامل باید تحویل بدهید

شاگرد: من سال دیگر می­خواهم حج تمام انجام بدهم

فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ یک بحث دیگر است که اگر نتوانستید از آن فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ استفاده می­شود که آن ربطی به این ندارد که عرض کنم خدمت شما

شاگرد: یعنی ایت بحج التام دلالت نمی­کند که این حج باید حج تام باشد

استاد: آن یک بحث دیگر است آن این است که از خارج این مطلب مسلم بوده حج را که شروع می­کردند باید تمام کنند این ناظر به او نیست این ناظر به او نیست

بحث سر این است که صحبت این است ببینید آیه شریفه ابتداءً اصل وجوب حج عمره را می­گوید می­گوید اتم الحج و العمره شما واجب هست حج عمره را انجام بدهید به نحو کامل خب بحث بر این است با فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ آن حکم این مطلب که با شروع تکمیل آن هم لازم است بالملازمه بیان کرده بنابراین در مرحله اول حکم اصل وجوب حج بیان شده آن که اگر حج را شروع کردیم باید تکمیلش هم بکنیم آن را هم بالملازمه با فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ بیان کردیم

بنابراین مرحله دوم بحث این بود که این شأن نزولی که در روایات بیان کرده مشخص می­کند که أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ ناظر به وجوب حج عمره است یعنی ایتوا بهما تامین.

حالا از این مرحله گذشتیم خود تامین یعنی چه تمام حج عمره به چه هست تمام حج عمره به چه هست خود این در این مرحله باز روایات متعدد داریم روایاتی که اینجا داریم در مورد تمام حج بعضیها این طوری تعبیر کردند تمامهما اجتناب الرفث و الفسوق و الجدال فی الحج آیه قرآن این است که:

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ ۚ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ ۗ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ ۗ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ ۚ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ

در بعضی از روایات این دو تا آیه را به هم مربوط دانسته می­گوید تمام حج این است که کردند اجتناب الرفث و الفسوق و الجدال از باب مثال فهمیده می­شود حالا بعداً هم توضیح می­دهیم یعنی محرمات احرام کان تمام حج این است که شما در حج محرمات احرام را مرتکب نشوید

این یکسری روایت که تمامهما اجتناب الرفث و الفسوق و الجدال فی الحج این یک روایت یک روایت دیگر دارد اتمامهما ان لارفث و لافسوق و لاجدال فی الحج می­گوید صریحاً آن دو آیه را به هم ربط می­دهد که این آیه و آیه لارفث و لافسوق و لاجدال فی الحج اینها به هم مرتبط هستند.

یک تعبیر دیگر تمام الحج و العمره ان لایرفث و لایفسق و لایجدال که اینها به اصطلاح از آن استفاده می­شود که اتمام حج یعنی شما حج را خالی از محرمات انجام دهید خب این یک.

یک روایت همین روایتی که خواندیم مِن تمام الحج و العمره أن تحرم من المواقیت التی وقتها رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم این هم دو دسته.

یک روایتی این هست می­گوید: و سألته عن قول الله عز و جل وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ قال: يعني بتمامهما أدائهما و اتقاء ما يتقي المحرم فيهما، می­گوید مراد از تمام هم ادا کردن حج است هم اینکه اتقاء ما يتقي المحرم فيهما یعنی هم ناظر هست ببینید بین آن دو تا من دو تا مورد اولی که گفتیم مِن تمام الحج و العمره أن تحرم من المواقیت التی وقتها رسول الله ناظر به حکم وضعی است یعنی شرط احرام، احرام از مواقیت است آن اجتناب الرفث و الفسوق و الجدال حکم تکلیفی است حکم وضعی نیست کسی رفث و فسوق و جدال نکند (کند) حج او خراب نمی­شود بنابراین این آیه دو تا معنای مختلف این روایت می­گوید هر دو است ایتوا بهما تامین تام بودن بعضی چیزها هست که دخالت دارد در إجزا بعضی چیزها دخالت در اجزا ندارد ولی واجب است ایتوا بهما تامین یعنی چیزهایی که واجب هست در حج عمره باید انجام بدهید چه آن چیزهایی که واجب هست شرطاً للحج جزءً للحج چه آن چیزهایی که شرطاً و جزءً نیست بلکه در ظرف حج واجب است که محرمات احرام در ظرف حج واجب است و خودش جز حج نیست خارج از حج است این روایت يعني بتمامهما أدائهما و اتقاء ما يتقي المحرم فيهما در واقع جمع کرده بین هر دو گروه می­خواهد بگوید اتموا الحج و العمره یک معنای جامعی دارد

شاگرد: این روایت آخر شاهد خوبی برای همان معنای اول تمام است

استاد: بله آن يعني بتمامهما أدائهما تصریح به آن معنا هست من چون روایتهای دیگر روشن بود که مراد از چه هست دیگر آن را نیاوردم چون در این بحث می­خواستم بیاورم

دو سری روایت دیگر اینجا هست یکی مِنْ تَمَامِ‏ الْحَجِ‏ وَ الْعُمْرَةِ أَنْ‏ يَحْفَظَ الْمَرْءُ لِسَانَهُ إِلَّا مِنْ خَيْر این که در حج شما سکوت باید بکنید حرف لغو نزنید این واجب هم نیست ولی کمال حج را بیان می­کند این هم یک سری روایات

دو تا روایت دیگر هست حالا اینها را می­خواهم توضیح اینکه این روایتها را چطوری با هم جمع بکنیم فردا یک روایت هست که می­گوید تمام الحج لقاء الامام یک روایت دیگر می­گوید اذا حج احدکم فلیختم بزیارتنا لان ذلک من تمام الحج

جمع بین این روایات به چه نحو است تقریباً روشن است که جمعشان بین اینکه لقا الامام و اینها باطن آیه هستند ولی یک توضیحی دارد در مورد باطن و اینها من این را می­خواهم فردا توضیح بدهم.

شاگرد: یک روایت هم درایم که :

عَامِرٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْهَدْيِ مَا يُؤْكَلُ مِنْهُ أَ شَيْ‏ءٌ يُهْدِيهِ فِي الْمُتْعَةِ أَوْ غَيْرُ ذَلِكَ قَالَ كُلُّ هَدْيٍ مِنْ نُقْصَانِ الْحَجِّ فَلَا تَأْكُلْ مِنْهُ وَ كُلُّ هَدْيٍ مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ فَكُلْ.

استاد: این ربطی به این بحث ندارد اتفاقاً دلیل بر این مطلب نه تنها چه هست این را فردا من توضیح می­دهم این یعنی چه نقصان الحج تمام الحج یعنی چه فردای درسی ان شاءالله شنبه.

ان شاءالله این را شنبه ملاحظه بفرمایید من این بحث را تکمیل می­کنم شنبه وارد آیه صوم می­شوم آیه صوم که فمن حضر منکم الشهر فلصمه آن با توجه به روایتهای مفسرین این آیه باید چطوری معنا بشود آن را توضیح خواهم داد

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله محمد

شاگرد:حاج آقا اینکه تفسیر به رأی می­گویند ناظر به همین باطنهاست یعنی افرادی نمی­خواهند ظواهر آیه را ظواهر عرفی را توضیح بدهند می­خواهند باطن آیه، تاویلهایی به او بدهند؟ این را تفسیر به رأی می گویند؟

استاد: تفسیر به رای اینکه آیه مجمل باشد آدم یکی از دو معنا را مِن عند خودش چیز کند تفسیر به رای است بدون شاهد از روایات اهل بیت یعنی با رای خودمان جایی که خود آیه قرینه برای مراد ندارد می­خواهیم از خودمان. باطن آیه را هم آدم بدون استناد به روایات بیان کردن آن هم تفسیر به رای است همه اینها تفسیر به رای است. یعنی آدم بیان ظاهر آیه یا باطن آیه بدون اینکه خود آیه دال بر آن مطلب باشد و مِن البطن بخواهد خارج بشود این تفسیر به رای است.